



روی امنیت سازش نمی کنیم

رئیس جمهور تایوان دیروز در جمع نیروهای ذخیره ارتش این جزیره گفت وقتی مسئله امنیت تایوان به میان می آید، هیچ سازش و مصالحه‌ای وجود ندارد. «لای چینگ ته» رئیس جمهور تایوان همچنین گفت آزادی و دموکراسی ارزش‌های اصلی و اساسی هستند که با مناقشات ایدئولوژیک کاری ندارند. رئیس جمهور تایوان همین اواخر از بودجه دفاعی تکمیلی ۴۰ میلیارد دلاری خبر داد تا بر عزم این جزیره برای دفاع از خود در برابر تهدید نظامی فزاینده چین تاکید کند؛ چین این جزیره را بخشی از خاک خود می‌داند. لای چینگ ته در جمع نیروهای ذخیره در منطقه «بیان» در شمال شرقی تایوان گفت که در مواجهه با زورگویی و آزار و اذیت چین، دولت باید هزینه بیشتری برای دفاع از خود صرف کند و در صورت وقوع بدترین شرایط، آمادگی بهتری داشته باشد. وی افزود: «امنیت ملی اجازه سازش به هیچ وجه را نمی‌دهد. حق حاکمیت ملی و ارزش‌های کلیدی آزادی و دموکراسی اصل و اساس دولت و ملت هستند. اینها ربطی به مناقشات ایدئولوژیکی ندارند. اینها موضع مشترک مردم تایوان هستند.»



طرح صلح اوکر این نهایی نیست

رئیس جمهور فرانسه به‌رغم درخواست‌های واشنگتن برای دستیابی به یک توافق صلح جهت پایان دادن به جنگ اوکراین، تاکید کرد که هنوز کارهای زیادی برای انجام دادن پیش از حصول هرگونه توافقی وجود دارد. «امانوئل مکران» رئیس جمهور فرانسه در یک کنفرانس مطبوعاتی در کنار «ولودیمیر زلنسکی» همتای اوکراینی خود گفت: امروز، هنوز طرح نهایی در مورد مسائل ارضی وجود ندارد. این موارد فقط توسط رئیس جمهور زلنسکی قابل نهایی شدن است. مکران همچنین گفت که مذاکرات در مورد دارایی‌های مسدود شده و ضمانت‌های امنیتی هنوز در مرحله مقدماتی است. این اظهارنظر در حالی مطرح می‌شود که اتحادیه اروپا به دلیل مقاومت بلژیک در استفاده از ۱۴۰ میلیارد یورو از ذخایر مسدودشده روسیه در بانک‌های آن برای تأمین مالی وام گرامت به اوکراین با مشکل مواجه شده است.



پیوستن کانادا به برنامه نظامی اروپا

بر اساس گزارش روزنامه آمریکایی کانادا با انعقاد توافقی به‌برنامه دفاعی ۱۵۰ میلیارد یورویی اتحادیه اروپا پیوسته است. به‌نوشته روزنامه «پالیتکو» ۲ دیپلمات اتحادیه اروپا به این روزنامه آمریکایی تصریح کردند کانادا به توافق نهایی برای پیوستن به برنامه امنیتی ۱۵۰ میلیارد یورویی اتحادیه اروپا تحت عنوان برنامه «اقدام امنیتی برای اروپا» (SAFE) دست یافته و این اولین بار است که یک کشور ثالث رسماً در این ابتکار عمل نظامی مشترک انحصاری این بلوک مشارکت می‌کند. این توافق بعداً توسط کمیسیون اروپا تایید شد. این کمیسیون در یک بیانیه مشترک با کانادا اعلام کرد: «این به منزله برداشتن گام دیگری در مسیر تعمیق همکاری‌های ما بوده و نمادی از اولویت‌های مشترک اتحادیه اروپا و کانادا است.»

بر سر سهم هر کشور، این شراکت را تا مرز فروپاشی پیش برده است. در هفته‌های اخیر، مقامات آلمانی گزینه‌های جایگزین، از جمله همکاری با سوئد یا بریتانیا، یا حتی پیش بردن کار تنها با اسپانیا را مطرح کرده‌اند. این چشم‌انداز پاریس را نگران می‌کند؛ چراکه برای فرانسه، پروژه FCAS بیش از آنکه یک خرید نظامی باشد، یک پروژه سیاسی است که مستقیماً به بازدارندگی هسته‌ای این کشور گره خورده است؛ جنبه‌ای بنیادین از ادعای فرانسه برای رهبری نظامی اروپا. اریک تراپیه، مدیرعامل شرکت «داسو اوییشن» که قرار است نقش اصلی را در این پروژه ایفا کند، خطاب به قانون‌گذاران فرانسوی صریحاً پرسید: «من مخالف پروژه نیستم، اما وقتی آلمان می‌گوید می‌خواهد فرانسه را حذف کند، آیا این شما را آزار نمی‌دهد؟» اگر برلین هزینه‌های کلانی انجام دهد و همزمان با متحدان شمالی و شرقی اروپا تیم تشکیل دهد، پاریس با خطر از دست دادن نقش محوری خود در معماری دفاعی اروپا مواجه می‌شود. با این حال، همه کشورهای اروپایی تسلیح مجدد آلمان را تهدید نمی‌دانند. در ورشو، این اقدام هم ضروری و هم دیرنگام تلقی می‌شود. مارک ماگبروفسکی، سفیر سابق لهستان در آمریکا می‌گوید: «لهستان در هزینه‌های نظامی به الگویی درخشان در ناتو تبدیل شده است. ما اصرار داریم که سایر شرکا نیز همین مسیر را طی کنند. اگر واقعاً به دفاع جمعی اهمیت می‌دهیم، نمی‌توانیم مدام بگوییم: لطفاً همه برای دفاع بیشتر هزینه کنید، به جز تو، آلمان.»

گروهی از مقامات لهستانی نیز عمل‌گرایی مشابهی را ابراز کرده‌اند. یکی از آن‌ها معتقد است: «آن‌ها در جهت درست حرکت می‌کنند. از دید ما، این کار می‌توانست زودتر انجام شود، اما خوب است که حالا دارد اتفاق می‌افتد.»

با این وجود، سایه سنگین گذشته‌ای خونبار همچنان بر روابط دو کشور سنگینی می‌کند. پاول زالفسکی، معاون وزیر دفاع لهستان، می‌گوید: «با نگاه به تاریخ، پیوند قدرت اقتصادی و نظامی آلمان همواره هراس‌انگیز بوده است. البته امروز لهستان بزرگترین نیروی زمینی اروپا را دارد و بازیگری قوی خواهد بود؛ بنابراین نوسازی ارتش آلمان باید در این بستر دیده شود که همه کشورهای اروپایی در حال تسلیح مجدد هستند.» زالفسکی خاطرنشان کرد که تقویت نظامی آلمان همزمان با سیگنال‌های واشنگتن مبنی بر کاهش حضور در اروپا صورت می‌گیرد و افزود: «افزایش قدرت نظامی آلمان پاسخی طبیعی است. کشورهای اصلی مدافع جناح شرقی، لهستان و آلمان خواهند بود.»

با این حال، خاطرات قدیمی در ورشو به سختی پاک می‌شوند؛ هم خاطرات جنگ و هم سیاست‌های انگلا مرکل در ایجاد وابستگی اقتصادی متقابل با روسیه. زالفسکی تأکید می‌کند: «ما موضع طرفدار روسیه در دوران مرکل را به یاد داریم. ما از آلمان می‌خواهیم نشان دهد چقدر فاطمانه از نظم بین‌المللی در برابر روسیه دفاع خواهد کرد. نیاز به راستی‌آزمایی مداوم وجود دارد؛ ما چیزی را فراموش نمی‌کنیم.» نگرانی‌ها درباره روابط تجاری آلمان و روسیه و همچنین رویکرد نرم‌تر حزب راست‌گرای افراطی (AfD) نسبت به مسکو، همچنان ذهن مقامات لهستانی را درگیر کرده است.

در بروکسل، این آرایش جدید یک آزمون بزرگ است: آیا اتحادیه اروپا می‌تواند این شتاب را به سمت ساختارهای مشترک هدایت کند، یا این روند به تکه‌تکه شدن دفاعی بلوک دامن می‌زند؟ فعلاً، تقویت آلمان بیشتر به عنوان «بازگشت به مسئولیت‌پذیری» دیده می‌شود تا «تلاش برای سلطه». اما حتی حامیان نیز اذعان دارند که درک ابعاد این تغییر دشوار است.

امنیتی آلمان محسوب می‌شود. اگر AfD بتواند در دولت آینده نقش مهمی ایفا کند، تعهد برلین به حمایت از اوکراین و سیاست بازدارندگی در برابر روسیه به شدت به خطر خواهد افتاد.

با وجود تمام این چالش‌ها، آلمان در یک موقعیت تاریخی قرار گرفته است. بحران کنونی، فرصتی بی‌سابقه برای اصلاحات ریشه‌ای در ساختار دفاعی و فرآیندهای تدارکاتی فراهم کرده که مدت‌ها به تعویق افتاده بود. آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا و با حس مسئولیت‌پذیری جدیدی که پیدا کرده، در جایگاهی منحصر به فرد قرار دارد تا به موتور محرک تسلیح مجدد اروپا تبدیل شود؛ نیازی که ناتو به شدت آن را احساس می‌کند.

واکنش دوگانه اروپا؛ از هراس پاریس تا عمل‌گرایی ورشو موقعیت اروپا در گرو توانایی دولت آلمان برای اولویت دادن به امنیت جمعی است. از نگاه اروپایی‌ها، اگر برلین بتواند این مسیر را با قاطعیت طی کند، اروپا شانس آن را خواهد داشت که با چالش‌های دوگانه، یعنی روسیه‌ای متجاوز و آمریکایی که تمرکزش را از اروپا برداشته، مقابله کند. با این حال، همچنان رگه‌هایی از یک وحشت دیرینه در واکنش اروپایی‌ها دیده می‌شود.

به گزارش پولیتیکو، این تغییر وضعیت، بیش از همه در پاریس احساس می‌شود؛ جایی که تسلیح مجدد آلمان با ترکیبی از تردید و نگرانی رصد می‌گردد. یک مقام دفاعی فرانسوی این وضعیت را «حالتی میان هوشیاری و احساس تهدید» توصیف کرد. او افزود: «کار با آلمانی‌ها دشوار خواهد بود، چراکه آن‌ها «بسیار مسلط و غالب» ظاهر خواهند شد.»

مارکوس زینر از «بنیاد مارشال آلمان» در برلین در این باره در بی‌بی‌سی نوشت: «ما آغازگر دو جنگ جهانی بودیم. حتی اگر ۸۰ سال از پایان جنگ جهانی دوم بگذرد، این فکر که آلمانی‌ها باید از درگیری‌ها دور بمانند هنوز در دی‌ان‌ای بسیاری از مردم هست.»

فراتر از نارسندگی‌های تاریخی، مقامات فرانسوی و اروپایی در این اندیشه‌اند که برلین تحت رهبری فردریش مرتس، چه نقش ژئوپلیتیکی ایفا خواهد کرد. یک دیپلمات اروپایی مستقر در پاریس در این باره می‌گوید: «هنوز مشخص نیست مرتس چه در سر دارد. آلمان باید نقش گسترده‌تری در سطح بین‌المللی بر عهده بگیرد، اما چگونگی آن مبهم است.»

تنش‌های اخیر بر سر پروژه جت جنگنده نسل بعدی اروپا (FCAS) نیز این نگرانی‌ها را عمیق‌تر کرده است. این برنامه ۱۰۰ میلیارد یورویی قرار بود نگیانگشتتری همکاری دفاعی فرانسه، آلمان و اسپانیا باشد؛ اما تأخیرها و مشاجرات

پرهزینه‌تر و غیرقابل اطمینان‌تر از پیش‌بینی‌ها منجر می‌شد. خودروی رزمی «پوما» و کمبود قطعات یدکی جنگنده «یوروفایتر تایفون» که در مقطعی کارایی آن را به تنها ۴ فروند از ۱۲۸ فروند کاهش داد، نمونه‌های بارزی از این انتخاب‌های ناموفق هستند.

این چالش‌ها با ورود آلمان به پروژه‌های مشترک اروپایی، ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. رویکرد سنتی آلمان در تأکید بر همکاری‌های بین‌المللی، در پروژه‌هایی مانند «ابتکار سپر آسمان اروپا» خود را نشان می‌دهد. با این حال، همین پروژه‌ها یک دوراهی اساسی را برای کل اروپا نمایان می‌سازند: آیا باید برای مقابله با اختلال در زنجیره تأمین، تنوع سیستم‌های تسلیحاتی را حفظ کرد یا برای کاهش هزینه‌ها به سراغ تولید انبوه و استانداردسازی رفت؟

ریشه این مشکل در تفکری است که در سراسر اروپا رواج دارد: سرمایه‌گذاری‌های دفاعی باید مستقیماً به اقتصاد محلی سود برسانند. این نگرش به رقابت‌های داخلی پرهزینه و دوباره کاری در ناتو دامن زده است. پروژه‌های رقیب برای ساخت جنگنده نسل بعد (GCAP در برابر FCAS) یا موشک‌های دوربرد (ELSA در برابر Storm Shadow) مصداق‌های بارز این اتلاف منابع هستند.

علاوه بر مشکلات ذکرشده، بزرگ‌ترین چالش پیش روی آلمان، «زمان» است. بر اساس برآوردهای اطلاعاتی، در حالی که بسیاری از پروژه‌های تسلیحاتی کلیدی اروپا، مانند سامانه تهاجمی دوربرد ELSA، تا سال ۲۰۳۵ عملیاتی نخواهند شد، روسیه ممکن است ظرف پنج سال آینده برای یک درگیری نظامی با ناتو آماده شود. این شکاف زمانی بسیار خطرناک است و برلین را وادار می‌کند تا برای پر کردن آن، به دنبال راه‌حل‌های فوری باشد.

یک راهکار، خرید تجهیزات آماده است. این رویکرد می‌تواند تسلیحات مورد نیاز را سریع‌تر در دسترس قرار دهد، اما چالش‌های جدیدی به همراه دارد. تأمین تجهیزات از منابع مختلف، به‌ویژه از خارج از ناتو، قابلیت همکاری متقابل نیروها را تضعیف کرده و لجستیک تأمین قطعات یدکی در میدان نبرد را به کابوسی پیچیده تبدیل می‌کند.

تصمیم‌گیری در این حوزه بسیار حساس است، زیرا هر انتخاب اشتباهی می‌تواند تا دهه‌ها بر توان رزمی آلمان و ناتو تأثیر منفی بگذارد.

در کنار چالش‌های نظامی و صنعتی، آلمان با مسائل مهمی در عرصه داخلی نیز مواجه است. اگر چه جنگ اوکراین نگرش عمومی را نسبت به ارتش و تهدید روسیه تغییر داده، اما در این میان، یک تهدید سیاسی جدی در حال رشد است: افزایش محبوبیت حزب راست‌گرای افراطی آلترناتیو برای آلمان (AfD). این حزب که متهم به ترویج روایت‌های کرم‌لین است، تهدیدی مستقیم برای سیاست خارجی و تعهدات

جدید آلمان

نگاهی به تلاش برلین برای تبدیل شدن به قدرت نظامی اول اروپا

